



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی \_ گروه روانشناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (( M.A ))

رشته: روانشناسی      گرایش : عمومی

عنوان:

**نقش واسطه ای هوش معنوی در ارتباط بین سبک های دلبستگی**

**ورضایت از زندگی در کارکنان مرکز بهداشت شهرستان شیراز**

استاد راهنما :

دکتر سیروس سروقد

استاد مشاور:

دکتر مجید برزگر

نگارش :

فرزانه امیرحشمتی

زمستان ۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان:

نقش واسطه ای هوش معنوی در ارتباط بین سبک های دلبستگی  
ورضایت از زندگی در کارکنان مرکز بهداشت شهرستان شیراز

استاد راهنما :

دکتر سیروس سروقد

استاد مشاور:

دکتر مجید برزگر

نگارش :

فرزانه امیرحشمتی

زمستان ۹۰

باسپاس از آنان که به طریق علم و دانش، رهنمونان شدند و روشنگر راهمان گردیدند  
بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های ارزشمند و الطاف‌سایه استاد گرانقدر جناب آقای  
دکتر سیروس سروقد و همچنین زحمات بی‌دریغ استاد ارجمند جناب آقای دکتر مجید بزرگ‌کرد  
راستای انجام این پژوهش تشکر و قدردانی نمایم. قطعاً ارائه این پژوهش مرهون راهکارهای  
مؤثر و سایه این عزیزان می‌باشد. لذا تلاش‌ها و مساعدت‌های این بزرگواران را ارج  
نهاده و از ایشان کمال تشکر را دارم.

تقدیم به روح پاک و بلند پر م

به پاس آنکه باور بودن، غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن

و تمام تجربه های یکتا و زیبای عمرم مدیون حضور سبزش بود

و مهربانیش سایه سار زندگیم

تقدیم به مادر بزرگوارم

به پاس قلب دریایی اش، که مأمن عشق و آرامش است

و محبت های بی دریغش که معنای زیبایی از مهر و ایثار

و

تقدیم به خواهران عزیزم

که به صمیمیت باران، طراوت شبنم و زلالی چشمه سار اند

## چکیده:

به منظور بررسی نقش واسطه‌ای هوش معنوی در ارتباط با سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی کارکنان مرکز بهداشت شهرستان شیراز ۲۳۰ نفر از کارکنان (۱۵۰ زن و ۸۰ مرد) با در نظر گرفتن نسبت جنسی از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. روش مطالعه، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد و برای اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه‌های رضایت از زندگی (SWLS) دینروهمکاران (۱۹۸۵)، پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان «تجدید نظر شده» (RAAS) کالینز و رید (۱۹۹۶) و پرسشنامه هوش معنوی عبدالله زاده و همکاران (۱۳۸۷) استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعیین نوع رابطه میان متغیرها از آزمون‌های آماری تحلیل رگرسیون ساده و چندگانه، ضریب همبستگی پیرسون و روش معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی و بین هوش معنوی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سبک دلبستگی ایمن بیشترین رابطه مثبت و معنادار را با رضایت از زندگی دارد. سبک دلبستگی وابستگی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری نسبت به سبک‌های نزدیکی و اضطراب می‌باشد. هوش معنوی قادر به پیش‌بینی رضایت از زندگی می‌باشد. هوش معنوی می‌تواند به عنوان واسطه میان سبک‌های دلبستگی و رضایت از زندگی قرار گیرد.

واژه‌گان کلیدی: سبک دلبستگی، رضایت از زندگی، هوش معنوی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول : کلیات پژوهش</b>
۲	مقدمه
۴	بیان مسئله
۱۰	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۳	هدف های پژوهش
۱۳	هدف کلی
۱۳	هدف های جزئی
۱۴	سؤال های پژوهش
۱۴	تعریف های مفهومی متغیرها
۱۴	تعریف مفهومی رضایت از زندگی
۱۵	تعریف مفهومی سبک های دلبستگی
۱۶	تعریف مفهومی هوش معنوی
۱۷	تعریف های عملیاتی متغیرها
۱۷	تعریف عملیاتی رضایت از زندگی
۱۷	تعریف عملیاتی سبک های دلبستگی
۱۷	تعریف عملیاتی هوش معنوی





## فصل دوم : پیشینه نظری و پژوهشی

### مبانی نظری پژوهش

۱۹	مقدمه
۱۹	نظریه رضایت از زندگی
۱۹	مروری بر مفهوم رضایت از زندگی
۲۰	نظریه دینر در خصوص رضایت از زندگی
۲۴	رویکردهای موجود بر مطالعه ی رضایت از زندگی
۲۵	نظریه دل بستگی
۲۸	فرآیند شکل گیری دل بستگی
۳۱	الگوی فعال درونی
۳۲	طبقه بندی بارتلمو و هورویتر
۳۴	سبک های دل بستگی
۳۴	دل بستگی ایمن
۳۶	دل بستگی نایمن - اجتنابی
۳۷	دل بستگی نایمن دوسوگرا - مقاوم
۳۸	دل بستگی نایمن سازمان نیافته ( غیرمتجانس )
۳۹	دیدگاه روانکاوی
۴۰	دیدگاه یادگیری
۴۰	دیدگاه رشدشناختی

۴۱	دیدگاه کردار شناسی
۴۲	نظریه هوش معنوی
۴۲	معنویت
۴۳	دیدگاه های روان شناسانه به معنویت
۴۳	دیدگاه روانکاوی
۴۳	دیدگاه رفتارگرایی شناختی
۴۳	دیدگاه انسان گرایی
۴۴	دیدگاه روان شناسی فرافردی
۴۴	هوش معنوی
۴۵	هوش معنوی از دیدگاه های مختلف
۴۶	دیدگاه سانتوس
۴۷	دیدگاه ایمونز
۴۷	دیدگاه فریدمن و مک دونالد
۴۸	دیدگاه نوبل و واگان
۴۸	دیدگاه مک مولن
۴۸	دیدگاه بروس لیچفیلد
۴۹	دیدگاه سیندی ویلگزورث
۵۰	دیدگاه رابرت آمانس
۵۱	دیدگاه دیوید بی کینگ
۵۲	پژوهش های پیشین

۵۲	پیشینه های پژوهشی رضایت از زندگی
۵۲	پژوهش های انجام شده داخلی
۵۴	پژوهش های انجام شده خارجی
۵۸	پیشینه های پژوهشی سبک های دلبستگی
۵۸	پژوهش های انجام شده داخلی
۶۰	پژوهش های انجام شده خارجی
۶۳	پیشینه های پژوهشی هوش معنوی
۶۳	پژوهش های انجام شده داخلی
۶۴	پژوهش های انجام شده خارجی
۶۷	جمع بندی پژوهش های انجام شده

### فصل سوم : روش پژوهش

۶۹	مقدمه
۶۹	روش کار
۶۹	جامعه آماری
۷۰	نمونه و روش نمونه گیری
۷۰	ابزار پژوهش
۷۱	پرسشنامه رضایت از زندگی
۷۱	پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان
۷۳	پرسشنامه هوش معنوی

۷۵ روش گردآوری اطلاعات

۷۵ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

### فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها

۷۸ مقدمه

۷۸ یافته های پژوهش

۷۸ یافته های توصیفی

۷۹ یافته های استنباطی

### فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

۸۷ مقدمه

۸۷ یافته های پژوهش

۸۷ بحث و بررسی یافته های پژوهش

۹۵ پیشنهادهای پژوهش

۹۵ پیشنهادهای کاربردی

۹۵ پیشنهادهای پژوهشی

۹۶ محدودیت های پژوهش

۹۷ منابع

پیوست ها

پیوست الف) پرسشنامه هوش معنوی

پیوست ب) پرسشنامه رضایت از زندگی

پیوست ج) پرسشنامه سبک دلبستگی

## فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۷۸	جدول شماره ۴-۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به تفکیک جنس
۷۹	جدول شماره ۴-۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش
۸۰	جدول شماره ۴-۳: شاخص مدل جهت برزندگی
۸۱	جدول شماره ۴-۳: ضرائب همبستگی بین سبک های دل بستگی و هوش معنوی
۸۲	جدول شماره ۴-۴: ضریب همبستگی بین هوش معنوی و رضایت از زندگی
۸۳	جدول شماره ۴-۵: ضریب همبستگی بین سبک های دل بستگی و رضایت از زندگی
۸۴	جدول شماره ۴-۶: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه سبک های دل بستگی و رضایت از زندگی
۸۵	جدول شماره ۴-۷: نتایج تحلیل رگرسیون ساده هوش معنوی و رضایت از زندگی

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۲۰	نمودار ۲-۱: رابطه کیفیت زندگی و رضایت از زندگی ( دینر ، ۲۰۰۰ )
۲۷	نمودار ۲-۲: ویژگی های دل بستگی ( بالبی ، ۱۹۸۸ )
۳۰	نمودار ۲-۳: چرخه ی دل بستگی ( تری ، ۲۰۰۲ )
۶۷	نمودار ۲-۴: مدل مفروض پژوهش
۷۹	نمودار ۴-۱: مدل مفهومی رابطه بین سبک های دل بستگی - هوش معنوی و رضایت از زندگی
۸۰	نمودار ۴-۲: ضرائب مسیر

## فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
۳۳	شکل شماره ۱-۲: سبک های دلبستگی براساس طبقه بندی بارتلمو و هورویتز

فصل اول

کلیات پژوهش

## مقدمه

تجربه شادکامی و رضایت از زندگی هدف برتر زندگی به شمار می‌آیند و احساس غم و ناخرسندی، اغلب مانعی در راه انجام وظایف فرد محسوب می‌شوند (آناس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳؛ به نقل از لافلین<sup>۲</sup> و هیوبنر، ۲۰۰۱).

رضایت از زندگی بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی او می‌باشد. به بیان دیگر هر چه شکاف میان سطح آرزوهای فرد و وضعیت عینی وی بیشتر گردد، رضایتمندی او کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش‌ها بیانگر آن است که افراد با رضایت از زندگی پائین در معرض خطر مشکلات روانی، اجتماعی و عاطفی از قبیل افسردگی، خودپنداره پائین و تعاملات اجتماعی نامناسب قرار دارند (والوس<sup>۳</sup> و گیلمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ به نقل از کوهگرد، ۱۳۸۷). افزون بر این، رضایت از زندگی می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ی کلیدی بهزیستی ذهنی، از نوسانات عاطفی گذرا فراتر رفته و بر رفتارها، تغییرات مؤثری بر جای بگذارد (دینر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از گیلمن، اسکات<sup>۶</sup> و هیوبنر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶).

بی‌شک در این میان نقش ویژگی‌های شخصیتی، سبک دلبستگی، علائق و دل مشغولی‌های افراد طی دوران رشد در میزان رضایتشان از زندگی غیرقابل انکار خواهد بود.

---

<sup>1</sup> Annas

<sup>2</sup> Laughlin

<sup>3</sup> Valois

<sup>4</sup> Gilman

<sup>5</sup> Diener

<sup>6</sup> Scott

<sup>7</sup> Huebner



امروزه در عرصه‌ی دیدگاه‌هایی که کوشش می‌کنند به فهم بهتر زندگی روانی دست یابند، نظریه‌هایی که محور اصلی را رابطه مادر - کودک می‌دانند جایگاه وسیع و خاصی دارند. دلبستگی از طریق حفظ نزدیکی نوزاد به مادر، سلامتی و امنیت وی را تضمین می‌کند. به همین دلیل است که بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۶۹)، پیوند دلبستگی را در کودک انسان یک نیاز اولیه و اساسی می‌داند طبق نظر بالبی، دلبستگی زمانی به وجود می‌آید که «رابطه گرم، صمیمانه و پایا بین کودک و مادر که برای هر دو رضایت بخش و مایه خوشی است» وجود داشته باشد (به نقل از اشرف، ۱۳۸۵).

سبک‌های دلبستگی در طول عمر تداوم می‌یابند و موضوع دلبستگی، علاوه بر مادر، افراد دیگر مثل دوست و همسر را نیز در بر می‌گیرد. به عبارتی، عشق و دلبستگی دوران بزرگسالی را می‌توان دنباله دلبستگی دوران نوزادی دانست.

از دیگر فاکتورهای مؤثر در رضایت از زندگی در افراد حضور معنویت می‌باشد. معنویت به عنوان یکی از ابعاد انسانیت شامل آگاهی و خودشناسی می‌شود. معنویت امری همگانی است و همانند هیجان، درجات و جلوه‌های مختلفی دارد.

ایمونز<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) معتقد است معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود، زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را مطرح می‌نماید که افراد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازند و به اهدافشان دسترسی داشته باشند (به نقل از رجایی، ۱۳۸۷).

به نظر می‌رسد هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه‌ی شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی خود می‌گردد. این دیدگاه شامل همه‌ی رویدادها و تجارب فرد می‌شود که تحت تأثیر یک نگاه کلی قرار گرفته‌اند.

---

<sup>1</sup> Bowlby

<sup>2</sup> Emmons

آمرام (۲۰۰۵) اظهار کرده است که هوش معنوی شامل حس معنا و داشتن هدف در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌شود (به نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

### بیان مسئله

هوش به عنوان یک توانایی شناختی در اوایل قرن بیستم توسط آلفردبینه<sup>۱</sup> مطرح شد. اما درسالهای اخیر مفهوم هوش به حوزه‌های دیگری مانند هوش هیجانی<sup>۲</sup>، هوش طبیعی<sup>۳</sup>، هوش وجودی<sup>۴</sup> و هوش معنوی<sup>۵</sup> گسترش یافته است (رجایی، ۱۳۸۷).

پس از گسترش مفهوم هوش به سایر قلمروها، ظرفیتها و توانایی‌های انسان و به خصوص مطرح شدن هوش هیجانی در روان شناسی، ایمونز در سال ۱۹۹۹ سازه جدیدی را با عنوان هوش معنوی مطرح کرد.

او عنوان کرد هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی است. هوش معنوی سازه‌های هوش و معنویت را در یک سازه ترکیب نموده است (رجایی، ۱۳۸۷).

در حالی که معنویت، جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معنایابی<sup>۶</sup>، هشیاری بالا<sup>۷</sup> و تعالی<sup>۸</sup> است، هوش معنوی شامل توانایی برای استفاده از موضوعاتی است که می‌تواند کارکرد

---

<sup>1</sup> Alfred Binet

<sup>2</sup> emotional intelligence

<sup>3</sup> natural intelligence

<sup>4</sup> existential intelligence

<sup>5</sup> spiritual intelligence

<sup>6</sup> meaning

<sup>7</sup> higher-consciousness

<sup>8</sup> transcendence

و سازگاری فرد را پیش‌بینی کند و منجر به تولیدات و نتایج ارزشمندی گردد (به نقل از رجایی، ۱۳۸۷). معنویت ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه باشد، رشد یافته یا رشد نیافته باشد، سالم یا مرضی باشد، سودمند یا زیان‌آور باشد.

هوش معنوی، زیربنای باورهای فرد و نقشی است که این باورها و ارزش‌ها در کنش‌هایی که فرد انجام می‌دهد و به زندگی خود شکل می‌دهد ایفا می‌کند. به سخن دیگر، هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنا، ارزش و پرورش تخیل، می‌تواند به انسان توان تغییر و تحول بدهد (صمدی، ۱۳۸۵).

گرچه تحقیقات زیادی در حیطه رشد و تحول هوش معنوی صورت نگرفته است و نیازمند تحقیقات تجربی - کیفی است، ولی می‌توان گفت که استعداد این هوش در افراد مختلف، متفاوت است و در اثر برخورد با محیط‌های غنی، که سؤالات معنوی را بر می‌انگیزاند، به تدریج تحول یافته و شکل می‌گیرد (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

هوش معنوی آخرین لایه از هوش‌های چندگانه است که هدایت و معرفت درونی، حفظ و تعادل فکری، آرامش درونی و بیرونی و عملکرد همراه با بصیرت، ملایمت و مهربانی را شامل می‌شود (یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۸).

زوهار و مارشال (۲۰۰۰) سه نوع هوش عقلانی<sup>۱</sup>، هیجانی و معنوی را ذکر کرده‌اند. آن‌ها مشخصات افراد دارای هوش معنوی بالا را این‌گونه ذکر کرده‌اند. این افراد انعطاف‌پذیر هستند، درجه بالایی از هشیاری نسبت به خویشان دارند، توانایی برای رویارویی با مشکلات و چیره شدن بر آن‌ها را دارند، همچنین الهام از طریق ارزش‌ها و بصیرت‌ها، اجتناب از بد کردن نسبت به دیگران، تفکر وحدت‌گرا، جستجو برای پاسخ دادن به سؤال‌های اساسی، عدم وابستگی به

---

<sup>1</sup> rational

دیگران و مقاومت در برابر شیوه‌ها و سنت‌های معمول جامعه از ویژگی‌های دیگر آن‌ها است (هلما و استریزنک، ۲۰۰۴؛ به نقل از رجایی، ۱۳۸۷).

این مشخصات کاملاً با فاکتورهای مؤثر بر رضایت از زندگی در افراد مطابقت می‌نماید به طور کلی، روان‌شناسی مثبت‌نگر<sup>۱</sup>، سلامت روانی را معادل کارکرد مثبت روان‌شناختی تلقی نموده و آن را در قالب اصلاح «بهزیستی ذهنی»<sup>۲</sup> مفهوم‌سازی کرده است (رایان و دکی، ۲۰۰۱).

به بیانی دیگر، بهزیستی ذهنی را می‌توان واکنش‌های عاطفی و شناختی به ادراک ویژگی‌ها و توانمندی‌های شخصی، تعامل کارآمد و مؤثر با جهان، پیوند و رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت در طول زمان تعریف کرد. این حالت می‌تواند مؤلفه‌هایی مانند رضایت از زندگی، انرژی و خلق مثبت را نیز در بر گیرد (کارادماس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

همچنین این علم معتقد است که روان‌شناسی باید بتواند به افراد کمک کند تا هر چه بیشتر احساس رضایت نموده و زندگی ارزشمندی داشته باشند (سلیگمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵).

یکی از شاخص‌های بهزیستی ذهنی، میزان رضایت از زندگی است. مراد از رضایت از زندگی، نگرش و ارزیابی عمومی فرد نسبت به کلیت زندگی خود و یا برخی از جنبه‌های زندگی، مانند زندگی خانوادگی، تجربه آموزشی، روابط اجتماعی و ... می‌باشد. رضایت یا عدم رضایت از تجربیات زندگی، ناشی از وجود یا عدم وجود هماهنگی بین موقعیت‌های فعلی و موقعیت‌های مورد انتظار و مطلوب است. به عبارت دیگر، رضایت از زندگی به عنوان ارزیابی

---

<sup>1</sup> positive psychology

<sup>2</sup> subjective well-being

<sup>3</sup> Karademas

<sup>4</sup> Seligman